

چیستی و چرایی زکات و تفاوت‌های آن با مالیات

□ محمد عیسی دانش *

چکیده

نوشته پیش رو تحقیقی است پیرامون ماهیت و فلسفه زکات که در چند جهت تحقیق و بررسی صورت گرفته که عبارت است از:

۱. چیستی زکات (تعریف زکات). ۲. چرایی زکات (فلسفه و جوب زکات). ۳. چرا زکات در آیات قرآن کریم همیشه در کنار زکات ذکر گردیده؟ ۴. موضوع زکات. ۵. حکم زکات. ۶. نحوه تعلق زکات به اموال. ۷. موارد تعلق زکات. ۸. مصاریف زکات. ۹. فرق زکات با خمس و مالیاتی که دولت از مردم اخذ می کند. ۱۰. آثار و برکات پرداختن زکات. ۱۱. شرائط و جوب زکات و ۱۲. گستره زکات و نوآوری تحقیق و نتیجه آن.

نوآوری تحقیق در دو امر مشاهده می شود:

۱. یکی در بیان فلسفه اقتران زکات به نماز و این که به چه دلیل همیشه در قرآن کریم هر جا ذکری از نماز به میان آمده کلمه زکات در کنارش ذکر گردیده؟ اهمیت این قرینیت در چه چیزی نهفته است؟

۲. در تفاوت‌های زکات با مالیات‌های دولتی، و این که بین زکات و مالیات به اصطلاح، تفاوت از زمین تا آسمان است.

بیان مسئله

همان طوری که یکی از اصول دین ما مسلمانان اصل عدالت خداوند متعال است و این که او عادل مطلق هست، عدالت اجتماعی نیز یکی از بزرگ ترین ویژگیهای ادیان الهی محسوب می شود و دین اسلام همواره بر اجرای آن در تمام سطوح و در تمام مسائل مربوط به شئون زندگی بشری، تأکید دارد.

بنا بر این یکی از مصادیق مهم اجرای عدالت این است که عدالت اجتماعی در تمام جهات و در تمام مسائل مربوط به زندگی انسانها در بین جوامع بشری حاکم باشد و بالاخص در مسائل اقتصادی فاصله ای بین غنی و فقیر وجود نداشته باشد و برای این تعدیل ثروت و به اصطلاح هم سطح سازی جامعه، از حیث مالی و امکانات زندگی، و رفاهی اجرای عدالت از ضروریات محسوب می شود. لذا خداوند متعال برای این که عدالت اجتماعی در مسائل مربوط به زندگی پیاده شود و فاصله ای بین غنی و فقیر ایجاد نگردد، زکات را که عبارت از استخراج مقدار معینی از اموال اغنیاء باشد، واجب نمود، و آن را به عنوان یک وظیفه دینی و عبادی قرار داد، و زکات را، یکی از فروع ده گانه قرار داده. و این که زکات از ضروریات دین محسوب شده و این امر به اجماع قطعی، فقهای فریقین و هم چنین با استناد به آیات و روایات متواتره به اثبات رسیده است.

مفاهیم کلیدی:

زکات، خمس، مالیات، کسر مشاع، کلی در معین و ضروریات دین.

اهمیت زکات:

مرحوم صاحب عروه می فرماید: وجوب زکات از ضروریات دین بوده و کسی که با علم به وجوب آن منکر زکات شود کافر است، و حتی در بعضی از روایات، کسی که از دادن زکات امتناع بورزد، نیز کافر محسوب می گردد. (الیزدی، السید محمد کاظم بن عبد العظیم الطباطبائی، العروة الوثقی، بیروت - لبنان، الناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، تاریخ

الطبع: ۱۴۰۹ هـ ق الطبعة: الثانية، ج ۲، ص ۲۶۳). به عبارت روشن‌تر اصلاً معنای این که مثلاً این امر از ضروریات دین هست این است که کسی که منکر آن شود کافر است و زکات نیز چون به اتفاق علمای فریقین، و هم چنین بر اساس آیات و روایات وارده در این مورد نه تنها از ضروریات دین است بلکه نماز و زکات در تمام ادیان الهی به نص صریح قرآن وجود دارد و همیشه مثل دو برادر در کنار هم ذکر شده و بر اساس روایتی که در این زمینه از پیامبر اکرم (ص) وارد شده قبولی نماز یک مسلمان منوط به پرداختن زکات است و بدون آن نماز مورد قبولی درگاه الهی قرار نمی‌گیرد. که نص صریح بعداً در مورد خودش خواهد آمد.

مرحوم خوبی (ره) علاوه بر آنچه که مرحوم صاحب عروه فرموده جمله زیبایی دارد ایشان می‌فرماید زکات یکی از ارکان پنجگانه‌ای هست که اسلام بر آن بنا شده. (الخوئی، السید أبو القاسم الموسوی، منهاج الصالحین، قم المقدسة، نشر مدینة العلم، تاریخ الطبع: ۱۴۱۰ هـ ق، الطبعة: ۲۸، ج ۱، ص ۲۹۵).

این بیان مرحوم خوبی ناظر به روایت معروفی هست که ابی حمزة ثمالی از امام باقر (ع) روایت می‌کند که حضرت فرمود: دین اسلام بر پنج رکن بنا شده که عبارت است از: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت و به هیچ‌یک از این ارکان پنجگانه مانند ولایت تأکید و سفارش نشده بعد ابن عباس در ذیل روایت جمله‌ای را اضافه نموده که عبارت از این است که مردم به چهار رکن اسلام عمل کردند و ولایت را ترک نمودند. (برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، محقق / مصحح: محدث، جلال الدین، قم، دار الکتب الإسلامية، چاپ: ۱۳۷۱ ق، چاپ: دوم).

از بررسی آیات وارده در قرآن کریم این طور به دست می‌آید که زکات همواره در کنار نماز و به اصطلاح به عنوان برادر نماز یاد شده و همان طور که نماز در تمامی ادیان الهی قبل از اسلام بوده و یا به عبارت دیگر همان طوری که نماز در تمام ادیان توحیدی بعد از اعتقاد به وحدانیت الهی به عنوان یکی از اصلی‌ترین وظیفه و نشانه ایمان به خداوند متعال محسوب می‌گردد، زکات نیز در کنار نماز ذکر شده و هم به عنوان یک امر عبادی و هم نمایشگر اهمیت آن در ایجاد عدالت اجتماعی در ادیان توحیدی به حساب آمده است.

البته تفاوتی که زکات در دین اسلام با زکات در سایر ادیان الهی دارد این است که زکات در دین اسلام تحت عنوان یک مالیات شرعی ساماندهی گردیده و رسماً تحت نظر بزرگان دین قرار گرفته تا از هرگونه دخل و تصرف بیجا بدور باشد.

و دیگر این که شاید مراد از زکات در ادیان توحیدی قبل از اسلام این نوع خاصی از استخراج مقدار معینی از مال در اسلام نبوده بلکه صرفاً مثل صدقات و یا یک نوع کمک به هم نوعان و سایر امور خیریه بوده باشد.

زکات همراه نماز، در تمام ادیان توحیدی:

از آیات وارده در قرآن کریم این طور به دست می آید که زکات همواره در کنار نماز ذکر شده و از او به اصطلاح به عنوان برادر نماز یاد گردیده.

مرحوم سید ابو الاعلی سبزواری (ره) می فرماید: زکات قرین و همراه نماز در نزدیک به ۳۰ آیه از قرآن کریم ذکر شده است.

الزَّكَاةُ، قرین الصَّلَاةِ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ فِيمَا يَقْرَبُ مِنْ ثَلَاثِينَ آيَةً. (السبزواری، السید عبد الأعلى مهذب الأحكام في بيان الحلال والحرام، المحقق/المصحح: مؤسسه المنار قم المقدسة، الناشر: مكتب آية الله السيد السبزواری، تاریخ الطبع: ۱۴۱۳ هـ ق، الطبعة: الرابعة، ج ۱۱، ص ۶).

دیگر این که زکات در تمام ادیان توحیدی بوده و این طور نیست که زکات در دین اسلام وضع شده باشد و ما برای نمونه و شاهد بر این دو ادعا به چند آیه از قرآن کریم اشاره می کنیم:

۱. هنگامی که حضرت عیسی (ع) در گهواره به سخن آمدگفت: قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا. (مریم/۳۱). من بنده خدایم، به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است. و هر جا که باشم مرا برکت داده و تا زنده‌ام به نماز و زکات وصیت کرده است.

۲. حضرت موسی خطاب به بنی اسرائیل فرمود: وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّٰكِعِينَ. (بقره/۴۳)

و نماز را برپای دارید و زکات بدهید و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید.

۳. قرآن در باره حضرت اسماعیل نیز بیانش این است که: وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا. (مریم/۵۵). و خاندان خود را به نماز و زکات امر می‌کرد و نزد پروردگارش شایسته و پسندیده بود.

۴. قرآن در باره تمام پیامبران الهی نیز اهمیت زکات را بیان نموده است: وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ آتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ. (انبیاء/۷۳) و همه را پیشوایانی ساختیم که به امر ما هدایت می‌کردند. و انجام دادن کارهای نیک و برپای داشتن نماز و دادن زکات را به آنها وحی کردیم و همه پرستنده ما بودند.

و هم چنین در روایتی از امام باقر (ع) وارد شده که حضرت فرمود: خداوند متعال زکات را همراه با نماز قرار داده، سپس حضرت این آیه را تلاوت نمودند که: نماز را بپا دارید و زکات اموالتان را بدهید. (بقره/۴۳) فلذا کسی که نماز بخواند ولی زکات مالش را ندهد گویا نمازی هم نخوانده است. (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، محقق / مصحح: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، ناشر: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام سال چاپ: ۱۴۰۹ ق، چاپ: اول، ج ۹، ص ۲۲).

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَرَنَ الزَّكَاةَ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ (بقره/۴۳) فَمَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ لَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ فَكَأَنَّهُ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ.

فلسفه و چرایی قرینیت زکات با نماز:

اما سؤال این جا است که چرا و به چه دلیل همواره زکات در کنار نماز و به اصطلاح در تمامی آیاتی که ذکری از نماز شده، زکات در کنار او قرار گرفته و اهمیت این قرینیت و همراهی در چه چیزی نهفته است؟

جواب این سؤال در واقع نهفته در یک مسأله کلامی هست که عبارت است از: عدالت خداوندی که در حقیقت یکی از اصول دین مسلمانان می باشد. که بعد از وحدانیت الهی

عدالت خداوند متعال در جایگاه دوم قرار گرفته و این خودش حاکی از اهمیت عدالت بطور عام یعنی هم عدالت فردی و هم عدالت اجتماعی هست.

توضیح مطلب این است که برای اثبات عدالت خداوند ادله متعددی هست که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- حسن و خوبی عدل و متقابلاً زشتی و بدی ظلم یک امر فطری هست که هر انسانی ولو مقید به هیچ دین و آیینی هم نباشد آن را قبول دارد، لذا حتی اگر به ظالم نسبت ظلم بدهد، از این نسبت متنفر و منزجر می شود و در مقابل اگر به همان ظالم نسبت عدل و دادگری را بدهند شاد و مسرور می گردد.

بنا بر این چگونه ممکن است خدایی که بدی ظلم و خوبی عدل را در نهاد و فطرت بشر قرار داده و به مقتضای: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ**. (نحل/۹۰).

(همانا خداوند امر می کند به عدل و احسان.) و هم چنین: **قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ**. (اعراف/۲۹). بگو امر کرده است پروردگار من به قسط. و به حکم: **يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ** (ص/۲۶).

(و گفتیم: ای داود! همانا تو را در زمین جانشین [و نماینده خود] قرار دادیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن.) به عدل و دادگری فرمان بدهد و خودش ظالم در ملک و حکمش باشد؟

۲- ممکن است منشأ ظلم یا جهل به قبح آن و یا عجز از رسیدن به هدف و یا لغو و عبث در کار باشد، و خداوند متعال از این اوصاف بری و منزّه است.

۳. ظلم نقص است و اگر خداوند ظالم باشد لازم می آید ترکیب خدا از کمال و نقص و وجدان و فقدان و این دو از اوصاف مخلوقات است نه خالق.

در نتیجه، به حکم آیات و روایات، خداوند در آفرینش کائنات عادل، در قوانین و احکام به حکم آیات قرآن کریم که ذکر شد دادگر و هم چنین در حساب رسی بندگان در روز جزا نیز عادل است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: *إِنَّ أَسَاسَ الدِّينِ التَّوْحِيدَ وَالْعَدْلَ*. (مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بیروت، ناشر: دار إحياء التراث العربي، سال چاپ: ۱۴۰۳ ق، نوبت چاپ: دوم، ج ۴، ص ۲۶۴). زیربنای دین اسلام توحید و عدل است. با این بیان روشن می‌گردد که قرینیت و همراهی زکات با نماز علاوه بر دلایل نقلی که عبارت است از: آیات و روایات؛ یک امر عقلی و کلامی بوده و با دلایل عقلی کاملاً مطابق با دلایل نقلی می‌توان این امر را اثبات نمود. یعنی مقتضای عدالت الهی این را می‌طلبد که زکات همراه نماز باشد.

۱. تعریف زکات:

زکات در لغت برای معانی متعددی آمده است، چنانچه در قاموس (فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، ناشر: دار الکتب العلمیة چاپ: اول، بیتا، ج ۴، ص ۳۷۵)، صحاح (جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، محقق / مصحح: عطار، احمد عبد الغفور، بیروت، دار العلم للملایین چاپ: اول، بیتا، ج ۶، ص ۲۳۶۸) و غیر این دو (طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق / مصحح: حسینی اشکوری، احمد، ناشر: مرتضوی سال چاپ: ۱۳۷۵، نوبت چاپ: سوم، ج ۱، ص ۲۰۳) به معنای طهارت آمده و از این قبیل است آیات: *أَقْتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً* (کهف/۷۴). آیا جان پاکی را بی آنکه مرتکب قتلی شده باشد می‌کشی؟ *قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا* (شمس/۹). هر که در پاکی آن کوشید رستگار شد،، و، *وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ* (نور/۲۱). ولی خدا هر کس را که بخواهد پاکیزه می‌سازد.

فقه‌های عظام نیز برای زکات معانی را بیان نموده اند که ما به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. مرحوم علامه حلی (ره) در تعریف زکات می‌فرماید: زکات در لغت به معنای رشد و طهارت هست و اما شرعاً یعنی در اصطلاح، عبارت است از حق واجبی که در مال قرار داده شده بشرطی که آن مال به حد نصاب رسیده باشد.

و اما این که چرا این حق واجب را زکات نامیده؟ به این دلیل است که دادن زکات و اخراج زکات از مال موجب ازدیاد ثواب و باعث به ثمر نشستن بیشتر اموال می گردد، و هم چنین دادن این حق واجب، یعنی زکات، موجب پاک شدن اموال مالک از حق فقرا و مساکین می شود. بعد این فقیه عظیم الشان می فرماید: مبنای فقهی و دلیل وجوب زکات یک امر روشنی هست که هم آیات وارده، روایات و هم اجماع فریقین بر آن هست.

الزكاة لغة: النموّ والطهارة، و شرعا: الحقّ الواجب في المال الذي يعتبر فيه النصاب، و سميّ زكاة، لازدياد الثواب و إثمار المال و طهارته من حقّ المساكين. و وجوبها معلوم من الكتاب و السنّة و الإجماع. (العلامة الحلي، الحسن بن يوسف بن المطهر الأسدي، تذكرة الفقهاء، المحقق / المصحح: لجنة التحقيق في مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم المقدسة، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الطبعة: الأولى، ج ۵، ص: ۷).

۲. مرحوم شهید در مسالک می فرماید: زکات در لغت به معنای پاکی و رشد هست و اسم زکات را برای صدقه مخصوص گذاشته برای این که زکات باعث پاک شدن مال از چرکهای است که به این مال چسبیده که عبارت است از تعلق حق خداوند به این مال و یا این که زکات موجب پاک شدن نفوس آدمی از چرکهای مثل اخلاق رذیله بخل و ترک کمک به نیازمندان است و چون از شأن زکات پاک کنندگی از چرکها هست لذا همیشه همراه مال است، همان طوری که آب همراه نجاست باید باشد تا پاکش کند. (الشهيد الثاني، زين الدين بن علي بن أحمد العاملي، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، المحقق / المصحح: لجنة التحقيق في مؤسسة المعارف الإسلامية مؤسسة المعارف الإسلامية، قم المقدسة، تاريخ الطبع: ۱۴۱۳ هـ ق، الطبعة: الأولى، ج ۱، ص ۳۵۵).

۳. مرحوم شیخ انصاری به نقل از لسان العرب می فرماید: زکات در لغت به سه معنای تقریباً نزدیک به هم اطلاق می شود که عبارت است از:

۱. رشد و نمو، ۲. طهارت، پاکی و پاکیزگی. ۳. خیر و صلاح. (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، ۱۴۱۴ ق، چاپ: سوم، ج ۱۴، ص ۳۵۸). و هي في اللغة بمعنى النمو، و

الطهارة، و الصلاح و برای هریک از این معانی سه گانه هم شاهد قرآنی وجود دارد و هم شاهد روایی:.

اما در قرآن کریم به این آیات ذیل تمسک شده است:

۱. ذَلِكُمْ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَأَطْهَرُ. (بقره/۲۳۲). و این شما را بهتر و به پاکی نزدیکتر است. خدا می داند و شما نمی دانید.

۲. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا. (توبه/۱۰۳) از داراییهایشان صدقه بستان تا آنان را پاک و منزه سازی.

۳. يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ. (جمعه/۲). تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد.

۴. فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا. (کهف/۸۱). خواستیم تا در عوض او پروردگارشان چیزی نصیبشان سازد به پاکی بهتر از او و به مهربانی نزدیکتر از او.

ابن اثیر در تعریف زکات می گوید: زکات از اسماء مشترکی بین مال و فعل هست، فلذا هم بر عین مال زکوی اطلاق می شود و هم بر معنی که عبارت باشد از تزکیه و اخراج زکات از اموال. و هی من الأسماء المشتركة بين المخرج والفعل، فتطلق على العين، و هی الطائفة من المال المُزَكَّى بها، و علی المعنی، و هو التَّزْكِيَةُ. (ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، محقق / مصحح: طناحی، محمود محمد، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش، چاپ: چهارم، ج ۲، ص ۳۰۷).

اما برای زکات در اصطلاح که منظور اصطلاح شرع هست، تعاریفی ذکر شده است که ذیلاً به چند تعریف اشاره می کنیم:

۱. مرحوم شیخ انصاری می فرماید: طبق تعریف اکثر فقهای عظام، زکات عبارت است از: مقداری معین و مخصوصی از مال که به دستور شارع مقدس از اموال و دارایی های مردم و با شرایط خاص خودش استخراج می شود.

و فی الشرع، أو عند اهله علی ما عرّفه الأكثر: قدر مخصوص یطلب إخراجه من المال بشروط مخصوصة. (الشیخ الأنصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب الزکاة، المحقق / المصحح: لجنة

التحقیق فی المؤتمر، قم المقدسة، الناشر: المؤتمر العالمي لتخليد ذكرى الشيخ الأعظم، تاريخ الطبع: ۱۴۱۵ هـ ق، الطبعة: الأولى، ص ۴.

۲. مرحوم شيخ طوسی می فرماید: زکات در لغت به معنای رشد و نمو آمده است چنانچه گفته می شود: زکی الزرع إذا نمى، یعنی کشت و زراعت رشد و نمو نموده است. و زکی الفرد إذا صار زوجا یعنی این فرد دوتا شده که در واقع کنایه از ازدواج این شخص هست. و لذا در شرع هم اخراج بعض مال را زکات نامیده به خاطر این است که نتیجه دادن زکات زیادى ثواب است، الزکاة فی اللغة هي النمو يقال:.. فشبّه فی الشرع إخراج بعض المال زکاة ما یؤول إليه من زیادة الثواب. (الطوسی، أبو جعفر محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، المحقق / المصحح: السيد محمد تقی الکشفی، طهران- ایران، الناشر: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تاريخ الطبعة: الثالثة، الطبع: ۱۳۸۷ هـ ق، ج ۱، ص ۱۹۰).

۳. تعریف دیگری که برای زکات شده است مرحوم شيخ انصاری از کتاب الفائق فی غریب الحدیث نقل می کند که می فرماید: لفظ زکات از الفاظ مشترک بین عین و اسم معنی هست، یعنی هم به عین یعنی مال تزکیه شده اطلاق می شود. (زمخشری، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، محقق / مصحح: شمس الدین، ابراهیم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ هـ ق، چاپ: اول، ج ۲، ص ۸۹). چنانچه حضرت پیامبر (ص) فرموده که زکات جنین همان زکات مادرش هست. ذکاة الجنین ذکاة أمّه. (شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام سال چاپ: ۱۴۰۹ هـ ق، چاپ: اول، ج ۲، ص ۳۶). و هم به فعل و عمل تزکیه و اخراج زکات از مال اطلاق می شود چنانچه در قرآن دارد که خداوند متعال می فرماید: آنان که پرداخت کنند زکاتند. وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (مؤمنون/۴). (الشيخ الأنصاري، مرتضى بن محمد أمين، كتاب الزكاة، المحقق / المصحح: لجنة التحقيق في المؤتمر، قم المقدسة، الناشر: المؤتمر العالمي لتخليد ذكرى الشيخ الأعظم، تاريخ الطبع: ۱۴۱۵ هـ ق، الطبعة: الأولى، ص ۴).

البته این تعریف از منظر مرحوم شيخ انصاری مورد اشکال واقع شده، زیرا ایشان قائل است که زکات در عین خارجی اصلاً استعمال نشده و شاهدی هم که در کتاب الفائق از روایت آورده

را نیز مرحوم شیخ قبول ندارد و می‌فرماید: در روایت مراد از زکات مادر تزکیه او هست نه این که زکات به خود مادر اطلاق شود. چنانچه زکات نیز به معنای تزکیه هست. بعد از این اشکال مرحوم شیخ می‌فرماید: تنظیر زکات به صدقه خیلی بهتر است چنانچه در قرآن نیز وارد شده که حضرت عیسی فرمود: خداوند مرا به نماز و زکات که منظورش صدقه هست سفارش نموده. (همان، ص ۵۰).

بعد مرحوم شیخ می‌فرماید: معنای شرعی که برای زکات شده بسیار شبیه معنای لغوی آن هست، برای این که دادن زکات موجب زیاد شدن اموال و باعث به دست آمدن ثواب بیشتر می‌گردد، و هم چنین زکات باعی پاکیزه شدن اموال از خبثاتی می‌شود که نتیجه وجود شبهه در اموال ایجاد می‌گردد، و هم چنین زکات باعث پاک شدن اموال از رذالتی می‌شود که بر اثر امتناع از دادن آن به وجود می‌آید، بنا بر این زکات صاحب مال را از گناه امتناع از دادن آن و از صفت زشت و رذالت خساست و بخل پاک می‌کند و باعث اصلاح مال و خالص شدن اعمال و موجب پاکیزگی نفس انسان می‌گردد. البته تمامی این موارد مستفاد از اخبار و روایات وارده در این مورد است. (همان، ص ۴۰) که در قسمت آثار و برکات زکات به آنها خواهیم پرداخت.

۲. موضوع زکات:

آنچه که از آیات و روایات وارده در رابطه موضوع زکات به دست می‌آید این است که موضوع زکات عبارت است از حقی که خداوند متعال بر اموال مردم قرار داده است. که ما برای نمونه به یکی دو مورد از آیات و روایات اشاره می‌کنیم.

اما آیات:

۱. وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ. (ذاریات/۱۹). و در اموالشان برای سائل و محروم حقی بود.

۲. وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ. (معارج/۲۴ و ۲۵). و آنان که در اموالشان حقی است معین، برای گدا و محروم.

اما در روایات:

۱. محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل می کند که حضرت فرمود: خداوند زکات را برای سدّ جوع فقرا در اموال اغنیا، به مقداری که در سعه و گشایش قرار بگیرند، یعنی از تنگنا بیرون بیایند، قرارداده. (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، محقق / مصحح: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ناشر: مؤسسه آل البیت علیهم السلام سال چاپ: ۱۴۰۹ ق، چاپ: اول، ج ۹، ص ۱۰).

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسَعُهُمْ.

۲. عبد الله بن سنان، از امام صادق (ع) نقل می کند که حضرت فرمود: خداوند متعال زکات را در اموال اغنیا به مقداری که کفایتشان کند، واجب قرار داد. (همان، همان).
ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ.
بنا بر این مستفاد از آیات و روایات وارده این است که: خداوند برای سدّ جوع فقرا و به مقدار کفایتشان بر اموال اغنیا یک حق مالی تحت عنوان زکات وضع نموده لذا زکات از حیث موضوع عبارت است از اموال و اعیان خارجیّه.

۳. فلسفه وجوب زکات:

همان طور که واضح و روشن هست یکی از مهم ترین ویژگی دین اسلام ایجاد عدالت اجتماعی در تمام سطوح زندگی جوامع بشری و در تمام امور مربوط به زندگی انسانها، چه در امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است، و از آن طرف تمام تلاش بزرگان دین بر رفع تبعیض و کم کردن فاصله بین طبقات اجتماعی و هم چنین تعدیل ثروت در جامعه هست و برای تحقق بخشیدن به این امر مهم خداوند متعال زکات را که عبارت از یک حق مالی هست و به تعبیر دیگر یک نوع مالیات هست بر اموال اغنیا وضع نمود تا فقیری در جامعه وجود نداشته باشد.

اما ادله و فلسفه وجوب زکات: برای وجوب زکات به ادله اربعه تمسک شده است که عبارت است از: اجماع فریقین، کتاب، سنت، و عقل:

اجماع:

در رابطه به اجماع علمای شیعه و اهل سنت که جای بحث ندارد زیرا به اصطلاح اجماع مدرکی می شود، و نیازی به بیان نیست.

مرحوم علامه حلی می فرماید: تمامی مسلمین در تمامی اعصار بر وجوب زکات اجماع نموده و این که زکات یکی از ارکان پنجگانه دین اسلام می باشد.

و أجمع المسلمون كافة على وجوبها في جميع الأعصار، وهي أحد أركان الإسلام الخمسة. (العلامة الحلي، الحسن بن يوسف بن المطهر الأسيدي، تذكرة الفقهاء، المحقق / المصحح: لجنة التحقيق في مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم المقدسة، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الطبعة: الأولى، ج ۵، ص: ۷).

قرآن کریم:

۱. وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اذْكُرُوا مَعَ الرَّاٰكِعِيْنَ. (بقره/۴۳). و نماز را برپای دارید و زکات بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید
۲. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا. (توبه/۱۰۳). از داراییهایشان صدقه بستان تا آنان را پاک و منزه سازی.

روایات:

۱. از امام کاظم (ع) روایت شده که حضرت فرمود: زکات وضع شده به خاطر این که قوت و رزق و روزی باشد برای فقرا و هم چنین باعث زیاد شدن اموال آنان می گردد.

إِنَّمَا وَضِعَتِ الزَّكَاةُ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيرًا لِأَمْوَالِهِمْ. (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام سال چاپ: ۱۴۰۹ ق، چاپ: اول، ج ۹، ص ۱۱).

۲. متعب غلام امام صادق (ع) می گوید، حضرت فرمود: به دو دلیل خداوند متعال زکات را وضع نمود:

یکی این که اغنیاء را مورد امتحان و آزمایش قرار بدهد، که آیا آنها از این دستور الهی اطاعت می کنند یا خیر؟

دوم این که زکات یک نوع کمک مالی برای فقرا هست، لذا اگر مردم زکات اموالشان را ادا کنند مسلمان فقیر و محتاجی در جامعه وجود نخواهد داشت، و آنها با زکاتی که خداوند در اموال اغنیا وضع نموده غنی می شدند، نه فقری می ماند، نه احتیاجی داشتند و نه گرسنه می ماند و نه برهنه و تمام این موارد و مشکلات بر اثر گناه و سرپیچی اغنیا از دادن زکات بروز می کند، فلذا سزاوار است که خداوند رحمتش را از کسانی که حقی را که خداوند در اموالشان قرار داده و نمی دهند منع کند بعد جالب این جاست که حضرت قسم می خورد که قسم به کسی که خلیق را آفریده، و رزق و روزی را در بین بندگانش گسترده، هیچ مال در خشکی و در دریا ضایع نشده مگر به خاطر ترک زکات، و هیچ صیدی صید نشده در دریا و خشکی مگر این که تسبیح خدا را در آن روز ترک کرده اند. و تحقیقاً محبوب ترین مردم نزد خداوند سخی ترین و کسانی هستند که زکات مالشان را بدهند و از دادن آنچه که خداوند بر اموالشان فرض نموده بخل نورزند. (همان. همان)

۳. در روایت دیگر محمدبن سنان از حضرت امام رضا (ع) نقل می کند که حضرت در جواب سؤالاتش نوشت که علت وضع زکات همانا سدّ جوع فقرا و در امان ماندن اموال اغنیاء هست یعنی دادن زکات علاوه بر این که احتیاجات مالی فقرا را برآورده می کند باعث به اصطلاح بیمه شدن اموال اغنیا نیز می گردد.

بعد حضرت در ادامه می فرماید: دلیل این امر یعنی وضع زکات این است که خداوند متعال کسانی را که از صحت و سلامتی جسم برخوردارند، مکلف نموده که به کسانی که زمین گیرند و در واقع بر اثر فقر ستون فقراتش شکسته و زمین گیر شده و مبتلا به فقر شده، رسیدگی نمایند بعد حضرت می فرماید: چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

شما در اموال و انفستان مورد آزمایش قرار داده می‌شوید که آزمایش در مال عبارت است از دادن زکات و آزمایش و امتحان در انفس عبارت است از این که نفس شما آمادگی برای صبر دارد یا نه؟ و باز هم در ادامه حضرت می‌فرماید: زکات باعث می‌شود که هر چه بیشتر نسبت به ناتوانان و مسکینان و رفع نیازمندیهای ایشان مدد کارشان باشند، و به برقرار کردن مساوات و قوت بخشیدن به فقیران و کمک کردن به ایشان در امر دین برانگیخته شوند. (ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، ناشر: کتاب فروشی داوری، سال چاپ: ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م، نوبت چاپ: اول، ج ۲، ص ۳۶۹).

دلیل عقلی:

مرحوم سید ابو الاعلی سبزواری (ره) در این رابطه می‌فرماید: دلیل عقلی بر وجوب زکات این است که عقل قاطعانه حکم می‌کند به این که کمک به فقرا یک امر نیکویی هست و این که کمک و همکاری میان ابناء بشر و توجه ثروتمندان نسبت به فقرا و همت گماشتن به جلوگیری از فقر و نیاز آنان یکی از امور بسیار مهم و جزء نظام بشری هست، که فطرت عقلی انسان به لزوم آن حاکم است و این که این امر مهم باید مورد توجه قرار بگیرد و از یاد نرود، فلذا این خودش نمایانگر این است که شرایع آسمانی نیز به این امر اهتمام خاصی داشته باشد، به خاطر این که تمامی اجتماع بشری نیاز مبرم به به دو امری دارد که هر دو متقوم به مال است:

۱. یکی توجه ثروتمندان به فقرا و تمویل آنان هست طبق احتیاجاتشان، و شارع مقدس نیز در این رابطه بذل توجه نموده و به اصطلاح، با تمام امکانات به میدان آمده، و از طریق کفارات و صدقات و مانند آن در رفع نیاز مستمندان و فقیران سفارش اکید نموده.

۲. آنچه که موجب حفظ جان، مال، بلاد و آبروی فقرا می‌شود، این امر نیز نیاز به مخارج و مصارفی دارد که از طریق دادن زکات و مانند آن تهیه و تدارک می‌گردد. (السبزواری، السید عبد الأعلى مهذب الأحكام في بيان الحلال والحرام، المحقق المصحح: مؤسسة المنار قم المقدسة، الناشر: مکتب آية الله السيد السبزواری، تاریخ الطبع: ۱۴۱۳ ه ق، الطبعة: الرابعة، ج ۱۱، ص ۶).

۴. فرق زکات با خمس و مالیات :

زکات با خمس از جهاتی مشارکت دارد و از جهتی هم مفارقت دارد اما جهات مشارکت:

۱. واضح هر دو یعنی هم وجوب زکات و هم وجوب خمس از جانب خداوند متعال است. و به عبارتی هر دو یک نوع مالیاتی شرعی هست
۲. هم زکات به عین اموال تعلق می گیرد و هم خمس، البته با اختلاف اندکی.
۳. هم خمس یک نوع حق مالی هست و هم زکات. به این معنی که هر دو بر اموال تعلق می گیرد.

اما از جهاتی هم فرق دارند که عبارت است از:

۱. موارد مصرف زکات وسیع تر است از موارد مصرف خمس و یا به عبارتی مصرف خمس برای سدّ جوع بنی هاشم و در عصر غیبت به اذن مراجع واجد شرائط به فقرای بنی هاشم در درجه اول و در مواردی هم که مصلحت بینند مثل حوزات علمیه و طلاب علوم دینی مصرف می شود.

اما موارد مصرف زکات ۸ طائفه هستند که از اول معین است که در قرآن کریم صراحتاً به این موارد هشت گانه اشاره شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

صدقات یعنی زکات، برای ۱. فقیران و ۲. مسکینان و ۳. کارگزاران جمع آوری آن. و ۴. نیز برای به دست آوردن دل مخالفان و ۵. آزاد کردن بندگان و ۶. قرضداران و ۷. انفاق در راه خدا و ۸. مسافران نیازمند و آن فریضه‌ای است از جانب خدا و خدا دانا و حکیم است.

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. (توبه/۶۰).

۲. موارد تعلق زکات در بعض موارد با موارد تعلق خمس فرق دارد مثلاً در غلات اربعه خمس تعلق نمی گیرد ولی زکات تعلق می گیرد.

فرق زکات با مالیات:

اما فرق زکات با مالیات در چند جهت است که عبارت است از:

چیستی و چرایی زکات و تفاوت‌های آن با مالیات ۲۵

۱. مالیات از طرف دولت وضع می‌شود، ولی زکات از جانب خداوند متعال وضع می‌گردد.
۲. مالیات به مطلق دارایی یک شخص تعلق می‌گیرد ولی زکات موارد مخصوص دارد که ۹ مورد باشد.
۳. منفعت مالیات به خود مردم باز می‌گردد و به عبارتی مالیات در مصارف عمومی یعنی خدمات شهری و روستایی می‌رسد. ولی موارد مصرف زکات از جانب خداوند مشخص و معین شده است.
۴. زکات یک امر عبادی تلقی شده و لذا قبل از اخراج آن از اموال متعلق زکات باید نیت قربت شود، در حالی که در مالیات نه تنها امر عبادی نیست و نیت قربتی در کار نیست بلکه حتی در مواردی با زور و اکراه پرداخت می‌گردد.
۵. در زکات نصاب معتبر است به این معنی که یکی از شرائط وجوب زکات این است که به حد و مقدار معینی برسد. اما در مالیات چنین شرطی وجود ندارد.
۶. زکات به فقرا داده می‌شود و به عبارتی دیگر زکات به عنوان یک حق مالی از ثروتمندان گرفته و برای سدّ جوع فقرا در مرتبه اول مصرف می‌شود. ولی مالیات صرف خدمات عمومی شده که هم فقرا را شامل می‌شود و هم اغنیا و ثروتمندان را، و چه بسا که مالیات اگرچند از داراییهای ثروتمندان برداشته می‌شود ولی به جرأت می‌توان گفت که بیشتر صرف هزینه های عمومی و خدماتی که به نفع ثرمایه داران هست می‌شود. و فقر هیچ موضوعیتی ندارد. در حالی که در زکات موضوع اصلی صرف در ریشه کن کردن فقر فقرا هست.

۵. نحوه تعلق زکات به اموال:

در این که مجعول در باب زکات چیست؟ مثلاً آنچه که در باب زکات جعل شده حکم تکلیفی هست که همان وجوب اخراج مال باشد، یا حکم وضعی بالنسبه به مالک که عبارت از وضع حقی بر مال مالک باشد یا وضع حقی برای فقرا در مال مالک است؟ وجوه و اقوالی هست که ذیلاً ذکر می‌کنیم:

۱. وجه اول این است که مجعول در باب زکات عبارت است از حکم تکلیفی محض به این معنی که خداوند متعال واجب نموده بر مالک اخراج مقدار معینی از مالش را با شرایط خاص بدون این که احدی بر این مال حقی داشته باشد، مثل این که واجب است بر شخص که به پدر و مادرش انفاق کند بدون این که آنها نسبت به مال فرزندشان حقی داشته باشد.

۲. قول دوم این است که مجعول در باب زکات و یا به عبارتی متعلق زکات اشتغال ذمه مالک به زکات است و اعیان زکویه و به عبارتی دیگر عین مال متعلق ملک و یا حق هیچ کسی نیست. و مقتضای این دو وجه این است که حکم تکلیفی و وضعی بر مکلف باقی هست و لو این مال زکوی تلف شود مگر این که در این صورت، دلیلی بر سقوط حکم از مکلف داشته باشیم.

۳. مجعول و متعلق زکات اشتغال ذمه مالک با اعیان زکویه هست تماماً، و یا این که به مقدار زکات به عنوان وثیقه و رهن باشد بر عین مال، بنا بر این می شود گفت که در واقع شارع موقع تعلق زکات دو حکم را انشاء نموده: یکی اشتغال ذمه مالک و دیگری حق الرهانه برای مستحق زکات. و قولی هم بر این است که همان دومی مجعول و متعلق زکات است، یعنی مجعول یک حقی شبیه حق الرهانه برای مستحق می باشد، فلذا مالک قبل از ادای زکات حق تصرف در مالش را ندارد، البته این خودش یک قولی جداگانه ای می شود.

۴. وجهی هم بر این است که مجعول در باب زکات عبارت است از ملک مستحقین به مقدار حقشان بر مال مالک، البته به نحو کسر مشاع به این معنی تصرف در مال زکوی بدون اذن جمیع شرکاء جایز نیست. فلذا تلف مال و هم چنین نمائات اموال زکوی بالنسبه بین شرکاء تقسیم می شود.

۵. مجعول همان ملک مستحقین هست اما به نحو کلی در معین مثل این که کسی مالک کلی صاعی از این خرمن و صبره باشد اما مستحقین زکات مالک کلی ذمه مالک هست به شرط این که مالک از این مال زکات را ادا نماید، اما تعیین فرد و این که از کدام طرف این صبره ادا کند به اختیار مالک است و در صورت تلف تمام مال زکوی حق همه ساقط می گردد، اما در صورتی که بعضی از اموال زکوی تلف شود و جوب اخراج زکات از مالک ساقط نمی شود.

۶. مجعول و متعلق زکات عبارت است از حقی که مسحق در مال مالک دارد مثل حقی که مجنی علیه بر عبد جانی عمدی پیدا می‌کند، بنا بر این مجنی علیه، یا ورثه اش در عبد حق دارد که قصاصش کنند و یا به بردگی بگیرند، البته در این مورد بهتر است بگوییم مستحق یک نوع حق تملک پیدا می‌کند فلذا مجنی علیه در واقع می‌تواند مالک عبد شود.

۷. مجعول حق برای مستحق در مال هست اما شبیه حقی که طلبکاران در مال میت بدهکار پیدا می‌کند، بنا بر این طلبکاران مالک مالی هست که بر عهده مدیون می‌باشد و بعد از موت او به عهده ورثه و بر ماترک او منطبق شده و آنها مشغول الذمه طلبکارانند. پس بنا بر این می‌توان گفت مجعول حق اخذ مقدار دین از ترکه میت است و بر ورثه واجب است که با دادن دین این ذمه را بری نمایند، چه از خودشان و چه از غیر شان و زکات نیز عین این مورد می‌ماند.

۸. مجعول برای مستحق عبارت است از حقی که در مالیت و ارزش مال زکوی هست، مثل حق زوجه که در مالیت و قیمت بناها و درختها و باغات پیدا می‌کند، و مالک مخیر است که از قیمت خود این اعیان ادا کند و یا از مال دیگر حق زوجه را بدهد، که در هر دو صورت مالیت و قیمت اعیان ملاک است. البته اعتبار و تعلق حق در این صورت نیز به نحو کسر مشاع است لذا اگر مثلاً نصف عین تلف شود به همان مقدار یعنی نصف زکات نیز تلف شده است.

۹. مجعول حق مستحقین هست، اما مثل حق منذورله در نذر تصدق می‌باشد به این معنی که کسی که نذر می‌کند که مقداری مالش را در صورت برآورده شدن حاجتش به فلان شخص بدهد، در این جا شخص مورد نذر نسبت به مال مالک حق پیدا می‌کند، در مورد بحث ما نیز مستحق زکات حق مطالبه زکات را از مالک مال دارد. (المشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، ص ۲۸۵. قم، بیجا بیتا.)

مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید: ظاهر امر حاکی از این است که زکوت و خمس به عین مال تعلق می‌گیرد چنانچه مرحوم محقق در ایضاح تصریح به اجماع امامیه بر این امر نموده و هم چنین ادعای وفاق شده از غیر واحد از مثل: مرحوم صاحب جواهر و بعضی دیگر از اعظام فقه. (شیخ انصاری، مرتضی، کتاب الزکاة، المحقق / المصحح: لجنة التحقيق في المؤتمر رقم

المقدّسة، الناشر: المؤتمر العالمي لتخليد ذكرى الشيخ الأعظم تاريخ الطبع: ۱۴۱۵ هـ ق، الطبعة: الأولى، مسئله ۲۱، ص ۱۹۸).

مرحوم صاحب عروه قائل است به این که تعلق زکات به اموال به نحو کلی در معین است در نتیجه ایشان می فرماید: تصرف در اموال متعلق خمس و زکات جایز است مادامی که به مقدار خمس و زکات مالی باقی مانده باشد، البته به شرط این که مالک قصد اخراج خمس از الباقی مال را داشته باشد.

دلیل ایشان برای جواز تصرف در اموال متعلق خمس این است که: می فرماید: برای این که شرکت ارباب خمس با مالک به نحو کلی در معین است.

مسألة يجوز له أن يتصرف في بعض الربح ما دام مقدار الخمس منه باق في يده مع قصده إخراجها من البقية إذ شركة أرباب الخمس مع المالك إنما هي على وجه الكلي في المعين. (اليزدي، محمد كاظم، العروة الوثقى، مكتب وكلاء الامام الخميني (ره)، بيروت، طبع الاول، ۱۴۱۰هـ، ج ۲، ص ۲۱۲).

نظر دیگر این است که شرکت ارباب خمس در مال مالک به نحو کسر مشاع است. چنانچه مرحوم امام خمینی و بعضی از اعاضم دیگر این نظر را اختیار نموده اند.

مرحوم امام خمینی (ره) می فرماید: اقرب به قواعد این است که شرکت فقرا با مالک مال به نحو کسر مشاع است، در نتیجه مالک حق تصرف در این مال را حتی حق نقل و انتقال یا حق تلف مال را هم ندارد، مگر بعد از اخراج خمس و زکات از این مال.

الاقرب أنّ الشركة على وجه الأشاعة، فلا يتصرف في البعض بالنقل والاتلاف إلا بعد إخراج الخمس. (همان، پاورقی).

مرحوم صاحب جواهر نیز از کسانی هست که قائل به تعلق خمس به اموال به نحو کسر مشاع است ایشان می فرماید: تعلق خمس به اموال چنانچه از کلمات اصحاب پیدا است، به نحو اشاعة خمس و زکوت در مجموع اجزای مال هست، همان طوری که صاحب مدارک نیز به این امر اعتراف نموده و در ایضاح الفوائد مرحوم محقق به اصحاب نسبت داده بعد ایشان تعلق خمس و زکوت به اموال را به نحو حق الزهانه و حق الجنایه رد می کند، برای این که ایشان می

فرماید: اگر نگوییم تمام ادله، ولی بعضی این ادله صراحت در نفی این دو احتمال دارد. (نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، کتاب الزکوة، المحقق / المصحح: الشیخ عباس القوجانی، بیروت- لبنان، الناشر: دار إحياء التراث العربي، الطبعة: السابعة، ج ۱۵، ص ۱۴۲).

فرق بین این دو باز در این است که اگر شرکت به نحو کلی در معین باشد، مالک حق تصرف در مال را دارد، تا زمانی که یک پنجم مال باقی بماند که چون این یک پنجم ملک ارباب خمس هست لذا در این مقدار باقی مانده حق تصرف ندارد.

اما اگر شرکت به نحو کسر مشاع باشد با تعلق خمس به مال مالک از همان ابتداء زمان تعلق خمس حق تصرف ندارد برای این که بنا بر کسر مشاع ارباب خمس با مالک مال در تک تک اجزاء مال شریک است لذا بدون اجازه شریک حق تصرف ندارد.

بعضی از فقها (مرحوم خوئی) نیز قائلند به این که صاحبان خمس با مالک در مالیت مال شریک است نه در عین مال.

ایشان می فرماید: اقوی این است که زکوت به عین مال تعلق می گیرد، اما نه به نحو اشاعه و به اصطلاح کسر مشاع و نه به نحو حق الرهانة و نه به نحو حق الجناية بلکه تعلق خمس به مال به نحو که شرکت در مالیت است و مع ذلك مالک حق تصرف در مال متعلق به خمس را دارد، اما نه در تمام اموال بلکه تا آن مقداری که حصّة زکوت باقی باشد. (الخوئی، سید ابو القاسم، منهاج الصالحین، کتاب زکوة، قم، نشر مدينة العلم تاریخ الطبع: ۱۴۱۰ هـ ق، الطبعة: ۲۸، ج ۱، مسئله ۱۱۳۰، ص ۳۰۸). و نظر ایشان در نحوه تعلق زکوت و خمس یکی هست که همان شرکت در مالیت مال باشد لذا ایشان قائل است که شرکت ارباب خمس با مالک هم از قبیل شرکت در مالیت مال می باشد نه در عین مال. مثل ارث زوجه از بناء که در عین بناء زوجه حقی ندارد بلکه در مالیت مال یا ربع و یا ثمن شریک است که اگر از زوج فرزند نداشته باشد در ربع مالیت و اگر دارای فرزند باشد در ثمن مالیت مال شریک است.

۶. موارد تعلق زکات:

همان طوری که از آیات و روایات وارده به دست می آید زکات در ۹ مورد از اموال اغنیاء تعلق می گیرد که عبارت است از: غلات اربعه، یعنی: ۱. گندم. ۲. جو. ۳. خرما. و ۴. کشمش. انعام ثلاثه، یعنی: ۱. شتر. ۲. گاو. ۳. گوسفند. و نقدین که عبارت است از: ۱. طلا. ۲. نقره. که ما برای نمونه و شاهد بر این مدعا به دو روایت ذیلاً اشاره می کنیم:

۱. فضیل بن یسار از امام باقر و اما صادق (ع) روایت می کند که این دو امام همام (ع) فرمودند: خداوند متعال زکات را همراه با نماز در اموال مردم واجب نمود، حضرت پیامبر این زکات را در ۹ مورد به عنوان یک سنت قرار داد و غیر این ۹ مورد را مورد عفو قرار دادند که عبارت است از: ۱. طلا. ۲. نقره. ۳. شتر. ۴. گاو. ۵. گوسفند. ۶. گندم. ۷. جو. ۸. خرما. ۹. کشمش. و اخذ زکات را ا غیر این موارد مورد بخشش قرار داد.

فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ فِي الْأَمْوَالِ وَ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَفَا رَسُولُ اللَّهِ عَمَّا سِوَاهُنَّ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ. (کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط- الإسلامية)، تهران، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية، سال چاپ: ۱۴۰۷ ق، چاپ: چهارم، ج ۳، ص ۵۰۹).

۲. ابی بکر حضرمی از امام صادق (ع) روایت می کند که حضرت فرمود: پیامبر اکرم (ص) بر ۹ چیز زکات را قرار داد که عبارت است از: ۱. گندم. ۲. جو. ۳. خرما. ۴. کشمش. ۵. طلا. ۶. نقره. ۷. شتر. ۸. گاو. ۹. گوسفند. و از سایر اموال زکات را برداشت و عفو نمود.

وَ ضَعَّ رَسُولُ اللَّهِ ص الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.

۷. مصاریف زکات:

آنچه که از آیات و روایات وارده در مورد مصرف زکات استفاده می شود این است که در ۸ مورد زکات به مصرف می رسد که عبارت است از:

۱. فقیران. ۲. مسکینان. ۳. کارگزاران جمع‌آوری زکات. ۴. برای به دست آوردن دل مخالفان. ۵. آزاد کردن بندگان. ۶. قرضداران. ۷. انفاق در راه خدا. ۸. مسافران نیازمند. مبنای فقهی این مورد عبارت است از سیره مستمره، اجماع تمامی فقهای عظام و آیات و روایات وارده. در این مورد.

اما آیه مرتبط به این مورد نص صریح آیه ذیل است که خداوند متعال می فرماید: صدقات که عبارت اخرای زکات است برای ۷ طائفه از مسلمانان و یک طائفه از غیر مسلمانان است که بارت است از:

۱. فقیران. ۲. مسکینان. ۳. کارگزاران جمع‌آوری زکات. ۴. برای به دست آوردن دل مخالفان. ۵. آزاد کردن بندگان. ۶. قرضداران و بدهکاران. ۷. انفاق در راه خدا. ۸. مسافران نیازمند و یا به تعبیر دیگر در راه ماندگان. و این یک فریضه ای است از جانب خداوند متعال و همانا خداوند دانا و حکیم است.

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. (توبه/۶۰).

۸. شرائط وجوب کات:

مرحوم صاحب جواهر می فرماید: فقهای عظام ۶ شرط و بدون هیچ اشکال و اختلافی برای وجوب زکات بیان نموده اند: و آنچه که در آن بحث هست در نفی زکات از غیر این موارد مذبوره هست.

تجب الزكاة على البالغ العاقل الحر المالك المتمكن من التصرف بلا خلاف ولا إشكال، إنما الكلام في نفيها عن غيره. (صاحب الجواهر (النجفي)، محمد حسن بن باقر بن عبد الرحيم، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، المحقق / المصحح: الشيخ عباس القوجاني، بيروت - لبنان، الناشر: دار إحياء التراث العربي، الطبعة: السابعة، ج ۱۵، ص ۱۴).

اما شرائط وجوب زکات عبارت است از:

۱. این که کسی که زکات را از مالش اخراج می کند باید بالغ باشد فلذا زکات بر مال غیر بالغ واجب نیست.
 ۲. عاقل باشد، بنا بر این بر مال شخص مجنون زکاتی تعلق نمی گیرد.
 ۳. آزاد باشد، لذا زکات بر مال عبد واجب نیست ولو قائل به ملکیت عبد بشویم.
 ۴. مالکی باشد که شرعاً قدرت و مجوز تصرف در اموالش را داشته باشد بنا بر این زکات بر مال کسانی که هنوز قبض نکرده مثل مال موهوب قبل از قبض و یا مال موصی به قبل از قبض و هم چنین مالی که قرض داده و هنوز قبض نکرده، واجب نیست.
 ۵. این که قدرت تصرف در مالش را داشته باشد فلذا زکات بر مال کسی که به هیچ وجه و تحت هر عنوانی مانند: مال مسروق، مغصوب منذور التصدق، موقوف و مانند آن واجب نیست.
 ۶. مال به اصطلاح زکوی به حد نصاب برسد که هر یک از اموال متعلق زکات نصاب و یا نصاب های خاص خودش را دارد.
- علاوه بر شرائط فوق الذکر، برای هر یک از موارد متعلق زکات نیز شرائطی ذکر شده است که ما فقط به ذکر آنها اکتفا می کنیم:

شرائط زکات انعام ثلاث:

- در انعام ثلاث، یعنی شتر، گاو و گوسفند علاوه بر شرائطی که به طور عموم در تمام اموال مورد تعلق زکات ذکر شد چهار شرط دیگر نی با وجود داشته باشد که عبارت است از:
۱. به حد نصابی که شرع تعیین نموده برسد. ۲. سائمه باشد، یعنی خودش در صحرا و بیابان و چراگاهها علف خورده باشد، و یا به عبارت دیگر، معلوفه نباشد، یعنی صاحب مال برای آنها علف تهیه نکرده باشد. ۳. سال بر آنها بگذرد. ۴. صاحب مال از اموالش کار نکشیده باشد، مثل بار بردن و یا شخم زدن زمین و یا کشیدن آب به وسیله این حیوانات از چاه.

و شرائط وجوبها مضافا إلى الشرائط العامة السابقة أربعة: النصاب و السوم و الحول و أن لا تكون عوامل. (الإمام الخميني، السيد روح الله الموسوي، تحرير الوسيلة، قم المقدسة، مؤسسة دار العلم، الطبعة: الأولى، ج ۱، ص ۳۱۵).

شرائط زکات نقدین:

در زکات نقدین یعنی طلا و نقره علاوه بر شرائط عمومی که در همه موارد تعلق زکات معتبر است ۳ شرط اختصاصی از طرف فقها بر اساس روایات وارده ذکر شده است که عبارت است از: ۱. این که به حد نصاب خودش برسد. ۲. به صورت سکه به اصطلاح ضرب شده و منقوش به نقش سلطان و یا مانند آن باشد که برای معاملات از آنها استفاده می شود. ۳. سال بر آن گذشته باشد.

الاول النصاب. الثاني - کونهما منقوشین بسکة المعاملة من سلطان أو شبهه. الثالث: الحول. (همان، ص ۲۲۳ و ۲۲۲).

شرائط زکات غلات اربعه:

برای زکات غلات چهار گانه، یعنی جو گندم، خرما و کشمش، نیز علاوه بر شرائط عمومی، چند شرط ذکر شده که عبارت است از: ۱. به حد نصاب مخصوص خودش برسد. ۲. مالک غلات باشد به واسطه زراعت یعنی کشاورز باشد و زمین کشاورزی هم مال خودش باشد و غلات در زمین خودش به ثمر نشسته باشد، و یا قبل از تعلق زکات به ملکش منتقل شده باشد. ۳. سال گذشته باشد. (همان، ص ۳۲۵).

۹. آثار و برکات دادن زکات:

برای دادن زکات آثار و برکات فراوانی بیان شده که ما با توجه به آیات و روایات وارده در این مورد به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

۱. پرداختن زکات باعث قبولی نماز انسان می شود: پیامبر اکرم (ص) به منادیی دستور داد که ندا در دهد که ای مسلمانها زکات بدهید تا نمازتان مورد قبول درگاه الهی قرار بگیرد:

فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُّوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلُ صَلَوَاتُكُمْ. (شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام سال چاپ: ۱۴۰۹ ق، چاپ: اول، ج ۹، ص ۱۰).

۲. دادن زکات موجب زندگی همراه با خیر و خوبی می باشد: امام صادق (ع) می فرماید: اگر مردم زکات مالشان را بدهند، از زندگی خوب و نیک برخوردار می گردند.

وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ آدَوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ. (همان.)

۳. دادن زکات اموال باعث بیمه شدن آن می گردد: چنانچه امام کاظم (ع) می فرماید: از اموالتان با دادن زکات محافظت و نگهداری نمایید، یعنی دادن زکات یک نوع محافظت و بیمه برای اموالتان هست.

حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ. (همان، ج ۹، ص ۱۱).

۴. دادن زکات موجب شفای مریضان می گردد: چنانچه جعفر از پدرش در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) روایت نموده که حضرت فرمود: با دادن زکات مریضانتان را درمان و اموالتان را بیمه نمایید.

دَاوُوا مَرَضَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَحَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ. (همان، ج ۹، ص ۱۵).

۵. زکات دادن موجب کفاره گناهان است: حضرت علی (ع) می فرماید: شما را به خدا شمارا به خدا در باره زکات (دقت کنید) که زکات در حقیقت غضب پروردگار را فرو می نشاند.

اللَّهُ اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ. (همان، ج ۹، ص ۲۰).

۱۰. گستره زکات:

زکات دارای معنای گسترده و وسیعی هست به این معنی که برای هر چیزی زکاتی بیان شده که ذیلاً بر مبنای روایت وارده به آن اشاره می کنیم:

زکات آبرو: حل مشکلات مردم است، چنانچه حضرت علی (ع) فرمود: همان گونه که ادای زکات مال واجب است ادای زکات آبرو نیز واجب است.

امام صادق (ع) فرمود: بر هر عضوی زکاتی واجب است:

۱. زکات چشم: نگاه با عبرت و چشم پوشی از گناهان است.
۲. زکات گوش: شنیدن و گوش دادن به علم و حکمت قرآن است.
۳. زکات زبان: نصیحت مسلمین و بیدار کردن غافلین و تسبیح خداست.
۴. زکات دست: نوشتن علوم و بخشش مال است.
۵. زکات پا: تلاش و سعی در راه جهاد، تحصیل، اصلاح میان مردم، عیادت و زیارت خوبان است.
۶. زکات علم: ، نشر آن است. ۷. زکات قدرت:، انصاف است. ۸. زکات زیبایی:، عفت است. ۹. زکات پیروزی: ، احسان است. ۱۰. زکات شجاعت:، جهاد است. ۱۱. زکات سلامتی:، سعی در اطاعت اوامر و نواهی الهی است. ۱۲. زکات حکومت: کمک رسانی به درماندگان است. ۱۳. و زکات عقل: تحمل کردن بی خردان است. (تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی، قم، ناشر: دار الکتاب الإسلامی، سال چاپ: ۱۴۱۰ ق چاپ: دوم، ص ۳۹۰).

نوآوری تحقیق:

- در این تحقیق در دو امر نوآوری مشاهده می شود که برای رعایت اختصار فقط به موارد آن اشاره می شود زیرا تفصیل مطلب در متن تحقیق بیان گردیده :
۱. در مورد فلسفه و علل قرینیت و همراهی زکات با نماز در تمامی آیات وارده در مورد زکات، همانطوری که در متن تحقیق بیان گردید مقتضای عدالت الهی مستلزم قرینیت زکات با نماز است و این که بعد از توحید عدالت خداوند متعال دومین اصل از اصول دین ما مسلمانان بحساب می آید.
 ۲. در مورد تفاوت‌های گوناگونی که زکات با مالیات دارد چه در موارد تعلق آن و چه در موارد مصرف زکات با مالیات و این که در این تحقیق روشن شده است که چرا در اسلام علاوه بر مالیات زکات نیز باید اخذ شود؟ برای این که زکات و مالیات دو مقوله جدا از هم هست و هیچ ربطی به هم ندارد.

نتیجه:

۱. زکات یکی از ارکان پنجگانه نماز و یکی از ضروریات دین بوده به حیثی که اگر مسلمانی اعتقاد به وجوب زکات نداشته باشد کافر است.
۲. زکات یک امر عبادی و قرین و همراه همیشگی نماز در تمامی ادیان توحیدی است. و دلیل این امر هم مقتضای عدالت خداوندی است که ایجاب می کند بعد از توحید الهی عدالت خداوند در تمامی کائنات و شئون زندگی جوامع بشری ساری و جاری باشد..
۳. ضرورت و اهمیت زکات به حدی است که اگر کسی زکات مالش را ندهد طبق روایات وارده نمازش قبول نیست.
۴. زکات یک مالیات الهی و شرعی هست که در تمام ادیان توحیدی وجود دارد.
۵. مهم ترین فلسفه وجوب زکات تعدیل ثروت و کم کردن فاصله بین فقیر و غنی است.
۶. فرق زکات با مالیات حکومتی در این است که زکات را خداوند متعال وضع نموده و یک امر عبادی هست ، ولی مالیات توسط دولت‌ها وضع می شود. و دیگر این که مالیات برای بهبود وضع شهری و برای خود دهندگان مالیات مصرف می شود ، در حالی که زکات برای فقرا مصرف می گردد.
۷. فرق زکات با خمس در واقع در موارد مصرف هست ، یعنی خمس دو قسمت شده قسمتی به فقرای بنی هاشم و قسمتی دیگر صرف حوزات علمیه برای ترویج تعالیم دینی می گردد. ولی زکات به غیر فقرای بنی هاشم و موارد دیگری که در آیات و روایات تعیین شده مصرف می شود.
۸. دادن زکات طبق آیات و روایات وارده و بر خلاف تصورات عامه مردم نه تنها باعث کم شدن مال نمی شود ، بلکه علاوه بر افزایش خیر و برکت در اموال ، موجب طهارت و تزکیه نفوس از اخلاق لئیمه نیز می گردد.
۹. زکات دو قسم است: یکی زکات اموال که مورد بحث ما در این مقاله هست و دیگری زکات فطره و به تعبیر دیگر زکات نفوس که در روز عید فطر باید پرداخت بشود.
۱۰. گستره زکات به حدی هست که هر یک از اعضای بدن و هم چنین اوصاف و صفات انسان زکات خاص خودش را دار.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. الإمام الخميني، السيد روح الله الموسوي، تحرير الوسيلة، قم المقدسة، مؤسسة دار العلم، الطبعة: الأولى، ج ۱.
۳. ابن اثير جزري، مبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، محقق / مصحح: طناحي، محمود محمد، قم، موسسه مطبوعاتي اسماعيليان، ۱۳۶۷ ش، چاپ: چهارم، ج ۲.
۴. ابن بابويه، محمد بن علي، علل الشرائع، قم، ناشر: كتاب فروشى داورى، سال چاپ: ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م، نوبت چاپ: اول، ج ۲.
۵. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، محقق / مصحح: مير دامادى، جمال الدين، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، ۱۴۱۴ ق، چاپ: سوم، ج ۱۴.
۶. برقى، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، محقق / مصحح: محدث، جلال الدين، قم، دار الكتب الإسلامية، چاپ: ۱۳۷۱ ق، چاپ: دوم.
۷. تميمى آمدى، عبد الواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم، محقق / مصحح: رجائى، سيد مهدى، قم، ناشر: دار الكتاب الإسلامى، سال چاپ: ۱۴۱۰ ق، چاپ: دوم.
۸. جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح، محقق / مصحح: عطار، احمد عبد الغفور، بيروت، دار العلم للملايين چاپ: اول، بيتا، ج ۶.
۹. الخوئي، السيد أبو القاسم الموسوي، منهاج الصالحين، قم المقدسة، نشر مدينة العلم، تاريخ الطبع: ۱۴۱۰ هـ ق، الطبعة: ۲۸، ج ۱.
۱۰. السبزواري، السيد عبد الأعلى، مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام، المحقق، المصحح: مؤسسة المنار قم المقدسة، الناشر: مكتب آية الله السيد السبزواري، تاريخ الطبع: ۱۴۱۳ هـ ق، الطبعة: الرابعة، ج ۱۱.

١١. الشيخ الأنصاري، مرتضى بن محمد أمين، كتاب الزكاة، المحقق / المصحح: لجنة التحقيق في المؤتمر، قم المقدسة، الناشر: المؤتمر العالمي لتخليد ذكرى الشيخ الأعظم، تاريخ الطبع: ١٤١٥ هـ ق، الطبعة: الأولى.
١٢. شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام سال چاپ: ١٤٠٩ هـ ق، چاپ: اول، ج. ١.
١٣. الشهيد الثاني، زين الدين بن علي بن أحمد العاملي، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، المحقق / المصحح: لجنة التحقيق في مؤسسة المعارف الإسلامية مؤسسة المعارف الإسلامية، قم المقدسة، تاريخ الطبع: ١٤١٣ هـ ق، الطبعة: الأولى، ج. ١.
١٤. الطوسي، أبو جعفر محمد بن الحسن، المبسوط في فقه الإمامية، المحقق / المصحح: السيد محمد تقي الكشفي، طهران - إيران، الناشر: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تاريخ الطبعة: الثالثة، الطبع: ١٣٨٧ هـ ق، ج. ١.
١٥. طريحي، فخر الدين بن محمد، مجمع البحرين، محقق / مصحح: حسيني اشكوري، احمد، ناشر: مرتضوي سال چاپ: ١٣٧٥، نوبت چاپ: سوم، ج. ١، ص ٢٠٣.
١٦. العلامة الحلبي، الحسن بن يوسف بن المطهر الأسدي، تذكرة الفقهاء، المحقق / المصحح: لجنة التحقيق في مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم المقدسة، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الطبعة: الأولى، ج. ٥.
١٧. يزدي، السيد محمد كاظم بن عبد العظيم الطباطبائي، العروة الوثقى، بيروت - لبنان، الناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، تاريخ الطبع: ١٤٠٩ هـ ق الطبعة: الثانية، ج. ٢.
١٨. يزدي، محمد كاظم، العروة الوثقى، مكتب وكلاء الامام الخميني (ره)، بيروت، طبع الاول، ١٤١٠ هـ، ج. ٢.
١٩. فيروز آبادي، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، بيروت، ناشر: دار الكتب العلمية چاپ: اول، بيتا، ج. ٤.

چستی و چرای زکات و تفاوتهای آن با مالیات □ ۳۹

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط- الإسلامية)، تهران، محقق / مصحح: غفاری

علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية، سال چاپ: ۱۴۰۷ ق، چاپ: چهارم، ج ۳.

۲۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، کتاب الزکوة، المحقق / المصحح: الشیخ عباس القوچانی

بیروت- لبنان، الناشر: دار إحياء التراث العربي، الطبعة: السابعة، ج ۱۵